



حقیقت با خطی نامیرا در جوهر روح نوشته شده است / اسلام مرکز وحدت متعالی ادیان

شوان یکی از نامدارترین نمایندگان مکتب حکمت خالده است و فیلسوفی است که در راستای گرایش متافیزیکی شانکارا و افلاطون از صاحب نظران به شمار می آید.

شوان یکی از نامدارترین نمایندگان مکتب حکمت خالده است و فیلسوفی است که در راستای گرایش متافیزیکی شانکارا و افلاطون از صاحب نظران به شمار می آید. بیشتر آثار وی با موضوع متافیزیک و معنویت نژادی نوشته شده است. علاقه به موضوعات اسلامی در آثار او که در باب اصول اعتقادات آغاز می شد: "وحدت متعالی ادیان" نام گرفت که در آن اسلام در مدلی مرکزی به تصویر کشیده می شود.

فریتهوف شوان با اصالتی آلمانی در 1907 میلادی در شهر بازل سوئیس متولد شد. پس از مرگ پدرش با مادرش به فرانسه رفت و تابعیت فرانسه را برگزید. تحصیل و زندگی او در دو فرهنگ آلمان و فرانسه سبب شد بر این دو زبان تسلط پیدا کند. وی از دوره جوانی که در جستجوی حقیقت متافیزیکی بود، به خواندن کتابهای مقدس ادیان الهی از جمله قرآن، اوپانیشادها و بهاگوداگیتا گرایش پیدا کرد. در مدت زمانی که در مولهاوزن زندگی می کرد، با آثار فیلسوف و شرق شناس فرانسوی، رنه گنون، آشنا شد و این آشنایی، کشف و شهودهای عقلی وی را قوت بخشید و پشتوانه ای برای اصول متافیزیکی ای که در جستجویشان بود، فراهم آورد.

شوان در 1935 میلادی از الجزایر و مراکش بازدید کرد و در 1938 میلادی پس از بیست سال مکاتبه با رنه گنون دیدار کرد. سپس در راه سفر هند از شروع جنگ جهانی دوم مطلع شد. در جنگ جهانی دوم در ارتش فرانسه به عنوان سرباز خدمت کرد و پس از اسیر شدن توسط نیروهای آلمان از قصد آلمانها در رابطه با اسرای آلمانی تبار با خبر شد و از زندان گریخت سپس با کسب ملیت سوئیسی، چهل سال در آن کشور زیست. شوان در این ایام، تألیفات مهمی ارائه داد، از جمله "وحدت متعالی ادیان" که در زمره معروف ترین آثار شوان است. در سالهای 1959 و نیز 1963 میلادی همراه همسرش به آمریکا رفت تا از قبایل سرخ پوستان دیدار کند در این حین به عضویت قبیله سو درآمدند و مدت ها در میان آنان زندگی کردند. عضویت در قبیله سو و اجرای آئین های آن توسط شوان باعث انتقاد «مارک سدویک» انگلیسی استاد سابق دانشگاه آمریکایی قاهره شد و تحقیقات وی با زمینه انتقاد از شوان در غالب کتابی با عنوان "بر ضد جهان مدرن: سنت گرایی و تاریخ پنهان فکری سده بیستم" در سال 2004 میلادی منتشر شد. بعد از انتشار کتاب وی برخی مدارک را پس از مرگ شوان علیه او به دادگاه ارائه داد. قائله به پا شده توسط سدویک توسط پیروان و وکلای مریمیه و طرفداران شوان مسکوت ماند. فریتهوف شوان در مه 1998 میلادی درگذشت.

شوان یکی از نامدارترین نمایندگان مکتب حکمت خالده است و فیلسوفی است که در راستای گرایش متافیزیکی شانکارا و افلاطون از صاحب نظران به شمار می آید. بیشتر آثار وی با موضوع متافیزیک و معنویت نژادی نوشته شده است. علاقه به موضوعات اسلامی در آثار برجسته شوان پس از جنگ جهانی دوم تداوم یافت و نخستین کتاب مهم او که در باب اصول اعتقادات آغاز می شد: "وحدت متعالی ادیان" نام گرفت که در آن اسلام در مدلی مرکزی به تصویر کشیده می شود.

بر اساس اعتقادات و آثار شوان، این دین جاویدان است که وحدت درونی ادیان را تشکیل می دهد؛ نخست بازشناختن آنچه تجلی مستقیم الهی است و سپس تمرکز اتحاد بخش بر سمبول متجلی کننده حقیقت الهی. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «ولله السماء الحسنی فادعوه بها» و «ایا ما تدعوا فله الاسما الحسنی». براساس تعالیم شووان، تعبیر این دو آیه این است که هر دینی تجلی یکی از نامهای الهی است و اینکه هر کدام را بخوانید تفاوتی ندارد زیرا که هر کدام از اسما حسنی او هستند.

تی. اس. الیوت درباره "کتاب وحدت متعالی ادیان" شوان می نویسد: «این کتاب در زمینه مطالعه تطبیقی دین های شرقی و غربی، کار تحسین برانگیزی است». رنه گنون، فیلسوف فرانسوی و آناندا کوماراسوامی، شرق شناس، دیدگاه سنت باوری یا جاودان گرایی را در آغاز قرن بیستم مطرح کردند که اساس این دیدگاه برگرفته از آموزه های ساناناتا دارما در حکمت هندوست. این نظریه را اکهارت و افلاطون در دنیای مسیحی و مغرب زمین مدوّن کردند که در اسلام نیز به شکل عرفان و تصوف یافت می شود.

دو کتاب دیگر او "چشم دل" و "چشم اندازهای روحانی و واقعیات انسانی" نیز به همان صورت، عمیقاً با مضامین اسلامی مرتبط بوده و در واقع بخش هایی از این دو کتاب به طور ویژه به اسلام و تصوف اختصاص یافته است. صرف نظر از آثاری که مستقیماً به اسلام پرداخته اند، تقریباً در تمام کتابهای بعدی شوان هم این موضوع، دستمایه اصلی او بوده است. آثاری همچون «باطنی گری به مثابه اصل و راه» که خلاصه ای از تعالیم شووان است و با فصلی به نام «تصوف» خاتمه می یابد و «رویکردهایی به پدیده دینی» که مفصل ترین بخش آن به اسلام اختصاص یافته.

سید حسین نصر پس از مرگ شوان درباره‌اش نوشت: «اکنون که فریتیوف شوان این ساحت خاکی را ترک گفته و بر همه روشن شده است که نام اسلامی وی شیخ عیسی نورالدین احمد شاذلی علوی مریمی بوده، تبیین ارتباط با او ست اسلامی امری مهم می‌نماید، سنتی که وی به عنوان مرشد معنوی شاخه‌ای از مهم‌ترین طریقت‌های تصوف که پس از قرون اولیه تاریخ اسلام تبلور یافت، به خدمت مشغول بود».

شوان در آثارش معتقد است یکی از کلیدها برای درک طبیعت حقیقی سرنوشت نهایی ما این واقعیت است که اشیا زمینی هرگز متناسب با برد واقعی عقل ما نیستند. این عقل برای مطلق ساخته شده است، یا اصلاً وجود ندارد، در میان عقول این عالم تنها روح انسان است که توانایی ابژکتیویته را دارد، این به همراه می‌آورد یا ثابت می‌کند که تنها مطلق است که به عقل ما امکان می‌دهد تا تماماً بتواند آنچه را که نمی‌تواند، یا به تمامی آنچه را که هست باشد. اگر مطلق را ثابت کردن لازم یا مفید بود، مشخصه ابژکتیو و و رای شخصی عقل انسانی به عنوان گواه کفایت می‌کرد، چون این عقل اثر انکارناپذیر اصلی نخستین است که کاملاً روحانی است که مرکزی است در برگیرنده همه چیز ذاتی که در عین حال ورای همه تعینات و تشبیه است ولی در ذات همه چیز حضور دارد. چرا که هستی جمله چیزها تجلی ذات این اصل روحانی است. «حقیقت تام با خطی نامیرا در خود جوهر روح ما نوشته شده».

از دیدگاه شوان اراده امتداد عقل یا مکمل آن است و موضوعاتی که اراده معمولاً در پیش می‌گیرد، یا زندگی بر آن تحمیل می‌کند، مادون وسع تام آن می‌ماند؛ تنها «بعد الهی» است که پاسخگوی تشنگی اراده و عشق ما برای پُری می‌باشد. آنچه اراده ما را انسانی و آزاد می‌سازد این واقعیت است که اراده ما متناسب با خداوند است؛ تنها در خداوند است که آن (اراده) از تمام قیود، و از هر چه طبیعتش را محدود می‌کند، آزاد می‌گردد».

از دیدگاه شوان «عملکرد اساسی عقل انسانی تمییز بین واقعی و موهومی و یا بین مانا و گذرا است و تصریح کرده است: عملکرد اساسی اراده تمسک به مانا یا واقعی است. این تمییز و این تمسک لب تمام معنویات می‌باشد؛ وقتی به حد اعلای خود گرفته شوند و یا به محض‌ترین جوهر خود برگردانده شوند، این دو در هر میراث روحانی بزرگ انسانی، کلیت زیربنایی آن را تشکیل می‌دهند، این کلیت زیربنایی را می‌توان دین جاویدان (Religio Perennis) نامید. به این است و نه چیز دیگر که حکما پایبندند، البته ضرورتاً بر پایه عناصری صوری که از طرف خداوند تشریع شده‌اند».